



یادداشت

راه حل‌های نه چندان بدیع سرمقاله نویسنده برای از بین بردن شکاف طبقاتی!

صادق کار



فعالیت های سرمایه داران و طرفداران نئولیبرالیسم اقتصادی و مدافعان "منعطف سازی" بازار کار یا در واقع مخالفان قوانین حمایتی و مدافعان بی قانونی در مناسبات بین کار و سرمایه، که به نارسایی همه مشکلات تولید را به دلیل وجود قانون کار می دانند برای کاهش دستمزدها همچنان بی وقفه ادامه دارند. جریانات مذکور با وجود اینکه موفق شده‌اند، بیشترین قوانین حمایتی در قانون کار و تامین اجتماعی را در جهت منافع صاحبان سرمایه از میان بردارند و مناسبات مبتنی بر بی حقوقی نیروی کار را بر جای آن بنشانند، با این همه گویا هنوز راضی نیستند و توجه‌ای هم به آخر و عاقبت کار خود ندارند و فکر می کنند حالا که قدرت فائقه هستند می توانند تا هر جا خواستند بتازند.

واقعیت این است که مهمترین عرصه نبرد بین نیروی کار و سرمایه بر سر دستمزد و سهم کارگر از ارزش افزوده‌ای است که خود خلق می کند و کمترین سهم را در غالب مزد از آن می برد. بقیه مطالبات به استثنای شرایط کاری، نیز ناظر بر سهم کارگر از ارزش افزوده است. هم از این روست که تمرکز سرمایه داران و نئولیبرالها بیشتر از هر چیز متوجه کاهش هرچه ممکن دستمزدها و از بین بردن آن امکاناتی است که طبقه کارگر می تواند برای افزایش دستمزد و بهبود سطح زندگی و قدرت خرید خود از آنها بهره بگیرد. بهمین خاطر است که دولتها و سرمایه داران یورش به دستمزدها را با از میان برداشتن و تغییر قوانین شروع می کنند.

بی جهت نبود که دعوای اصلی هنگام تصویب قانون کار مصوب سال ۶۹ نیز بدوا بر سر حدود و ثغور و تعریف حقوق کارگر و نحوه مناسبات حقوقی بین کارگر و سرمایه دار بود. نتیجه آن نبرد به ظاهر آرام ولی به واقع خونبار قانون کار کج و کوله‌ی کنونی بود. اما حکومت و سرمایه داران و بویژه نیروهای سرمایه داری تجاری همین قانون کج و کوله را هم برنرفتافتند و مواد حمایتی محدودی را که در آن دوره مجبور شده بودند بپذیرند را در طی سالهای بعد از تصویب یا حذف کردند و یا به نفع خودشان دگرگون نمودند. طبیعی است برای کارگری که از حق اعتصاب و تشکل محروم گردیده و همه قوانین کار و تامین اجتماعی نیز یا علیه حقوق او دگرگون گردیده و اگر چیزی از آن باقی مانده باشد نیز توسط دولت به محاق برده شده و هر اعتصاب و اعتراضی را با مشت آهنین سرکوب می کنند، نتواند مانع سقوط دستمزد خود به زیر یک چهارم خط فقر باشد.

آری خودشان میگویند سطح دستمزدها در ایران زیر خط فقر است، دستمزدها کفاف نان بخور و نمیر خانواده‌های ۳،۵ نفره را نمی دهد. سهم دستمزد از کالای تولید شده ۵ درصد است، ایران از این لحاظ در ردیف ۸ کشور ته جدول در دنیا قرار دارد. با این همه اما سرمایه داران و حامیان آنها هر از چند گاهی با ترفندهای تلاش می کنند، همین دستمزد اندک را نیز تقلیل دهند. یک روز با پیش کشیدن منطقه‌ای کردن دستمزد، یک روز دیگر با تهدید و ارباب و گاهی هم با واکزار کردن تعیین دستمزد به توافق طرفین.

بر خلاف طبقه کارگر که از هر امکانی برای دفاع از حقوق خود محروم شده است، اما نیروهای نئولیبرالی از انواع امکانات برای تبلیغ و پیش بردن اهداف مورد نظر خود برخوردارند. علاوه بر دولت و نهادهای حکومتی از



سازمانهای به اصطلاح خیره و سازمانهای کارفرمایی گرفته تا اقتصاد دانها و رسانه های نیرومند همه و همه در تلاش اند تا سهم این سه چهار درصدی های جامعه را که ثروت هایشان را هم حداقل در این حکومت از طریق رانت و چپاول سرمایه های عمومی و استثمار به دست آورده اند، بالا ببرند و سفره های مردم زحمتکش و تهی دست را کوچکتر کنند! گویی همه ملت همین سه چهار درصد هستند.

اینک زمزمه کاهش دستمزدها و تغییر قوانین علیه کارگران و حقوق بگیران دوباره از سوی مجلسی که با ادعای نگرانی از وضع بد معیشت مردم تشکیل شد به گوش می رسد. به نظر می رسد بعد از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری این زمزمه ها می روند که با تصویب قوانین جدید به واقعیت تبدیل شوند. یکی از تغییرات محتمل تصویب قانون مزد منطقه ای است. در این اوضاع احوال عده ای نیز با به میان کشیدن دوباره بحث منطقه ای کردن دستمزدها که بیشتر توسط افراد و نهادهای وابسته به بازار و با نیت کاهش دستمزدها مطرح شد، می خواهند زمینه های لازم برای این تعدیلات توسط مجلس را فراهم نمایند. این بار نوبت به سرمقاله نویس دنیای اقتصاد رسیده که با اختصاص سرمقاله این روزنامه به طرح معوق مانده منطقه ای کردن دستمزدها بکوشد برای عملی کردن آن توجیه تئوریک درست کند.

"دکتر لطفعلی بخشی" نویسنده ی سرمقاله ای که با عنوان "تفاوت های ۱۳ طبقه کارگری" در این هفته در روزنامه دنیای اقتصاد نگاشت نوشت:"

کاستی های اساسی کارکرد نظام اقتصادی، شکاف های بزرگی از نظر ثروت و درآمد بین افراد ایجاد کرده و موجب بروز نارضایتی های شدید در بین اقشار مختلف مردم شده است که می تواند ثبات و آرامش فعالیت جامعه را با چالش های جدی مواجه سازد."

او پس از اشاره به این شکافها بدون ذکر منشاء آنها، در یک قیاس مع الفارغ با اشاره به برخی تفاوت های مزدی بین گروه هایی از کارگران و تقسیم آنها به ۱۳ گروه، در ادامه می افزاید از: "تفاوت زیادی در امتیازات و مزایای شغلی و بیمه ای و خدمات مربوطه وجود دارد و می توان گفت برخی کارگران نسبت به برخی دیگر، کارگران اشرافی محسوب می شوند. و می گوید: "در نظر گرفتن این نیروی همه تفاوت برای انجام امور کاملاً مشابه، در کشوری با قانون یکسان، نشان از ناکارایی اجرای قوانین دارد که لازم است در این باره چاره اندیشی صورت گیرد. او چاره را نیز ظاهراً در تعدیل امتیازات اشرافیت ادعایی خود که وجود خارجی ندارد می بیند. آن اشرافیت کارگری که نویسنده سر مقاله به نادرست نام میبرد، اقلیت بسیار کوچکی از کارگران هستند که مجموع حقوق آنها کمتر از ۱۲ میلیون تومانی است که بعنوان هزینه خانوار تعیین کرده اند!

نویسنده پس از این توضیحات راه کارهایی را برای پرکردن شکافهای موجود مطرح می کنند و می نویسند: "برای کاهش این تفاوت ها برخی اقدامات ضروری است.

تعیین دستمزدهای منطقه ای و تطبیق آن با هزینه های منطقه ای و توافق بین نیروی کار و کارفرما
ساده سازی قراردادهای کار

ایجاد انعطاف بیشتر در قوانین کار

برقراری امتیاز مالیاتی و تشویق کارگاه های دارای پوشش بیمه تامین اجتماعی
پذیرش کارهای نیمه وقت برای پرداخت بیمه تامین اجتماعی"

هیچ کدام از راه کارهای مقاله نویس "دنیای اقتصاد" نه بدیع هستند و نه موثر در کاهش گسل طبقاتی موجود. دست بر قضا شکاف هایی که خود نویسنده هم وجو شان را نمی تواند انکار کند نتیجه همین نوع راه کارهاست! هم از این رو حکم نسخه ای را دارد که به جای درمان اگر نکشد وخامت بیماری را. بخصوص وقتی رمقی برای بیمار باقی نمانده باشد بیشتر می کند.

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



ویروس نابرابری گزارش ژانویه ۲۰۲۱ سازمان آکسفام بخش چهارم



تعمیق بیسابقه نابرابری

اگرچه هنوز برای دیدن تصویر کامل وضع خیلی زود است، بیشترین مطالعات اولیه جاکی از افزایش نابرابری در ابعاد بیسابقه اند. این واقعیت که ویروس کرونا همزمان عواقب اقتصادی جدی ای برای تمام کشورهای دنیا داشته است، به این معناست که احتمالاً تمام کشورها برای اولین بار در تاریخ ثبت شده بشری همزمان شاهد افزایش نابرابری بوده اند.

این برداشت در تحقیق سازمان آکسفام که توسط ۲۹۵ اقتصاددان در ۷۹ کشور انجام شده است، تأیید می شود. این گروه، اقتصاددانان شناخته شده ای چون جایاتی گُش، جفری ساچز و گابریل زوکمان را شامل می شود. ۸۷ درصد پژوهشگران از این و آن کشور به این نتیجه رسیده اند که در اثر پاندمی، نابرابری در کشورشان رو به افزایش دارد و به افزایش بسیاری منجر خواهد شد. این عده پژوهشگران اقتصاددانانی از ۷۷ کشور (از ۷۹ کشور مورد تحقیق) بوده اند. بیش از نیمی از کل پژوهشگران همچنین به این نتیجه رسیده اند که احتمالاً یا به احتمال بسیار بالا نابرابری جنسیتی نیز در اثر پاندمی افزایش یابد. دوسوم از آنان در مورد نابرابری نژادی چنین می اندیشند. همچنین دوسوم آنان معتقدند که دولت مربوطه برنامه ای برای مبارزه با نابرابری فزاینده ندارد.

حکومتها در برابر یک انتخاب: نابرابری اجتناب ناپذیر نیست

بندتشید نابرابری حتمی است. با این حال، ابعاد آن، و سرعتی که با آن می توان این نابرابری را کاهش داد، انتخاب حکومتها در سراسر دنیاست. بنا به داده های بانک جهانی، هرگاه حکومتها اجازه افزایش نابرابری فقط ۲ درصد در سال را بدهند، ۵۰۰ میلیون انسان های بیشتری، حتی در سال ۲۰۳۰ هم همچنان باید با روزی کمتر از پنج و نیم دلار روزگار بگذرانند. تحت چنین شرایطی تعداد کل انسانهایی که در فقر زندگی خواهند کرد، از آنچه پیش از پاندمی بود، هم بیشتر خواهد بود. برعکس، اگر حکومتها برای کاهش ۲ درصدی نابرابری در سال اقدام کنند، در عرض سه سال به سطح نابرابری پیش از بحران باز خواهیم گشت، و در قیاس با حالتی که اقدامی نکنند، ۸۶۰ میلیون انسانهای کمتری در سال ۲۰۳۰ در فقر زندگی خواهند کرد. پژوهشگران معتقداند:

۸۷ درصد پژوهشگران در این و آن کشور به این نتیجه رسیده اند که در اثر پاندمی نابرابری درآمد در کشورشان رو به افزایش دارد و به افزایش بسیار منجر خواهد شد.

۷۸ درصد پژوهشگران معتقداند که در اثر پاندمی نابرابری در ثروت در کشورشان رو به افزایش دارد و به افزایش بسیاری منجر خواهد شد.



۶۶ در صد معتقداند که ویروس کرونا محتملاً یا به احتمال بسیار بالا به افزایش نابرابری نژادی در کشورشان بیانجامد.

کرونا نابرابریهای موجود را تشدید کرده است بحران کرونا آسیبهای بسیار سنگینی را به زندگی انسانهایی که در فقر زندگی می کنند، وارد آورده و خاصه پیامدهای وخیمی را در سراسر جهان برای زنان، سیاهان، آفریقائی تباران، مردمان بومی، و جماعتی که تاریکاً به حاشیه رانده شده و سرکوب شده اند، در بر داشته است. زنان، و به مراتب بیشتر زنان "نژادمند"، در مقایسه با مردان، با خطر بزرگتری برای از دست دادن شغل مواجه اند. آفریقائی تباران و مردمان بومی در امریکای لاتین، که همانا به حاشیه رانده شده بوده اند، در قیاس با دیگر گروه های اجتماعی، خسارات سنگینتری دیده اند. احتمال مرگ آنها در اثر پاندمی بیشتر است، و سقوط آنان به فقر نیز محتمل تر.

در زمینه بهداشت

ویروس کرونا بدترین آثار سیستمهای بهداشتی با امکانات مالی و تجهیزات فقیر، و شکست سیستمهای بهداشتی خصوصی را، که مبنایشان ثروت افراد است، در هنگام مواجهه با چنین بحرانهایی آشکار کرده است. احتمال مرگ شما در اثر کووید-۱۹، اگر فقیر باشید، به مراتب بیشتر است. اگر از جماعتی سیاه یا بومی باشید، این احتمال باز هم بالاتر است. برای مثال در برزیل، احتمال مرگ آفریقائی تباران چندین برابر احتمال مرگ سفیدپوستان برزیل است. اگر نرخ مرگ آنها برابر نرخ مرگ سفیدها بود، در آن صورت در ژوئن سال ۲۰۲۰ بیش از ۹۲۰۰ آفریقائی تبار برزیلی زنده مانده بود.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



کارگران فریب پیام های فریبکارانه انتخاباتی رئیسی را نمی خورند! صادق



به گزارش خبرگزاری ایلنا ابراهیم رئیسی پیامی را توسط احمد نادری نماینده مجلس برای کارگران هفت تپه ارسال نموده است. ایلنا به نقل از این نماینده مجلس نوشت: "احمد نادری با ارسال توییتی از برگزاری یک جلسه با ابراهیم رئیسی خبر داد و پیام رئیس قوه قضاییه به کارگران هفت تپه را اعلام کرد: سلام مرا هم به کارگران برسانید و بگویند مواظبت کنند تا دوره انتقالی با موفقیت انجام شود."

ارسال و انتشار خبر این پیام به نظر می رسد اقدام حساب شده ای است که مخاطبان آن محدود به کارگران هفت تپه نباشد. بدون شک این یک اقدام تبلیغاتی انتخاباتی است که به نیت کشاندن کارگران پای صندوق های رای و دادن رای به رئیسی انجام گرفته است.

رئیس جنایتکار و فریبکار قوه قضایی حکومت از زمانی که توسط خامنه ای به ریاست این قوه منصوب شد تلاش دامنه داری را جهت جا زدن خود به عنوان کسی که طرفدار حقوق "مستضعفین" است شروع کرد. او در آغاز با انجام چند مانور نمایشی توجه عده ای را نیز به خود جلب کرد. در ظاهر علیه زندانی کردن کارگران موضع گرفت و وعده آزادی و تخفیف مدت محکومیت آنها را داد، ولی در عمل پس از مدتی نه تنها این کار را انجام نداد، بلکه عده ای از کارگران و معلمان دیگر نیز در بیدادگاه های تحت ریاست زیر دستان او به زندانهای بلند مدت محکوم شدند. محاکمه و زندانی کردن عده ای از کارگران هفت تپه، هپکو، فولاد اهواز، و محاکمه شمار دیگری از فعالین سندیکایی، و تعدادی از رهبران تشکلهای معلمان و فرهنگیان در دوره او انجام شد و در عمل حتی بهبود نسبی در پیگرد فعالین کارگری و مدت محکومیت شان در دوره این مدعی حامی محرومان بوجود نیامد. نتیجتاً این بازی او زودتر از آن که وی تصور می کرد لو رفت و بی اثر شد.

رئیس زمانی در راس دستگاه فاسد و ستمگر قضایی حکومت قرار گرفت که طشت رسوایی فساد مقامات حکومتی از پشت بام به زیر افتاده بود و مبارزه علیه فساد و خصوصی سازیهای رانتی و پر مفسده در حال بالا گرفتن بود و کارگران در راس این مبارزه قرار گرفته بودند. رئیسی با تشکیل پرونده برای عده ای از عوامل فساد و محاکمه تعداد معدودی از آنها و خلع مالکیت تعدادی از مالکان موسسات و اگذار شده از آن جمله خلع مالکیت از امید اسد بیگی سعی کرد هم دامنه فساد ها را محدود کند و هم رهبری مبارزه با فساد را آنطور که باب طبع خامنه ای بود از درون جامعه به درون حکومت بازگرداند. او کوشید با لغو خصوصی سازی چند کارخانه موقعیت خود را تثبیت نماید اما در نیمه راه رهبر حکومت ترمز او را کشید.



حالا او می خواهد با اتکا به این چند اقدام خود را قهرمان مبارزه با فساد جا در بزند و آنرا سکوی پرش خود برای رئیس جمهور شدن قرار دهد. تا کنون حداقل ۱۰۰۰ کارخانه و موسسه بزرگ در چهار چوب مناسباتی رانتی شکل گرفته در حکومت به نزدیکان باندهای مافیایی حاکم واگذار شده اند. شمار واحدهایی که توسط رئیسی پس گرفته شده اند کمتر از انگشتان دست است. همه این چند مورد را نیز قصد ندارند به دولت برگردانند. با رئیس جمهور شدن رئیسی هم قرار نیست نظر به ساختار و ماهیت قدرت حاکم تحول مثبتی در خصوص سیاست خصوصی سازی و سرکوب جنبش کارگری بوجود آید. کما اینکه پیگرد فعالین کارگری در روز کارگر و بعد از آن نیز با وجود نزدیکی انتخابات فرمایشی تشدید شده است.

عملکرد مجلس برآمده از انتخابات فرمایشی نیز به وضوح نشان داد که شعارهای به ظاهر عدالتخواهانه جریان مسلط در مجلس صد و هشتاد درجه با عملکرد و مصوبات آن تفاوت دارد. همین مجلس طرح هایی را در دستور بررسی دارد که همگی بدون استثنا معیشت و حقوق زحمتکشان را هدف قرار می دهند. رئیسی نیز از قماش دارودسته مسلط بر مجلس و برنامه های اش همین هایی است که مجلس سعی می کند پیش ببرد. حالا او در حالیکه برای همه کارگران با نام هفت تپه پیام انتخاباتی می فرستد و تلاش می کند آنها را به پای صندوق های انتخابات فرمایشی بکشانند و آرای آنها را به خود اختصاص دهد، زیر دستان او در بیدادگاه های قرون وسطایی برای وکیل کارگران در حال دسیسه چینی هستند. او تا کنون اقدامی برای بازگرداندن اسماعیل بخشی و دیگر کارگران اخراجی هفت تپه و بسته شدن پرونده های کارگران تحت پیگرد نکرده است، اقدامی برای آزادی سپیده قلیان انجام نداده که هیچ وی را به زندان دیگری که ۶۰۰ کیلومتر از محل زندگی خانواده اش دور است تبعید کرده اند، از صدور منع تعقیب کارگرانی که تحت ریاست رئیسی برایشان پرونده امنیتی تشکیل داده اند خبری نیست و فشار بر فعالین زندانی بیش از پیش شده است.

گر او آنطور که ادعا می کند عدالتخواه و اهل مبارزه با فساد است، حداقل کاری که می بایست قبل از کاندیدا شدن برای انتخابات فرمایشی می کرد، عدالتخواهان زندانی را آزاد می کرد. وقتی او حتی بعد از کاندیدا شدن هم کوچکترین قدمی در این جهت بر نمی دارد معلوم می شود که دروغگو و فریب کار است و قصد سئو استفاده از اعتراضات و نارضایتی کارگران از حکومت را دارد. او اتفاقا بدترین و ضدمردمی ترین و وابسته ترین کاندیدا در میان همه کاندیداهای ریاست جمهوری است و برای همین است که بیش از بقیه خامنه ای و سرکردگان دستگاه های امنیتی نسبت به وی نظر مثبت دارند. رئیسی یکی از سه قاضی جنایتکاری است که احکام قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ را صادر کرده است. زندانیان که اکثریت شان عدالتخواه و سالها برای حقوق کارگران و محروم شدگان جامعه مبارزه عملی کرده بودند. او با این سابقه ایده آلترین مهره برای خامنه ای و سرداران سپاه است که می خواهند با ادامه و تشدید سرکوب جنبش دمکراتیک مردم را که خواهان برچیدن بساط ستمگرانه آنهاست سرکوب کنند. رئیسی نماد خط مشی آینده حکومت است. خط مشی که بیش از همه علیه حقوق زحمتکسان است. کارگران و زحمتکشان شهر و روستا که در پی آینده بهتری برای خود و فرزندان شان هستند فریب مانور ها و دروغ های رئیسی را که با ادعای مستقل بودن کاندیدای ریاست جمهوری شده است را نخواهند خورد و اساسا همانطور که بارها در خیابانها اعلام کرده اند، نه دروغ های رئیسی و امثالهم را باور می کنند و نه در انتخابات فرمایشی شرکت می کنند. سر نوشت و آینده کشور و مردم از این پس در خیابانها و توسط توده مردم رقم زده خواهد شد و نه در نمایش های انتخاباتی فرمایشی! کما اینکه همین خلع ید ها از دزدان سرمایه های مردم که رئیسی فرصت طلبانه می کوشد آنها را به حساب عملکرد خود جا بزند، نتیجه و دست آورد مبارزات خود کارگران و مزدبگیران و سایر عدالتخواهان است.

خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



تجمع همزمان کارگران مخابرات در چند استان

کارگران مخابرات شاغل در استانهای آذربایجان غربی، زنجان و کهگیلویه و بویراحمد، ۲۷ اردیبهشت بار دیگر در اعتراض به عملی نشدن مطالبات شان تجمع نموده و خواستار عملی شدن ۱۲ مطالبه خود توسط کارفرمایانشان شدند. اجرای طبقه بندی مشاغل، استخدام مستقیم بجای پیمانی و رفع تبعیض بین کارکنان رسمی و غیر رسمی از زمره مطالبات ۱۲ گانه کارگران هستند. گفتنی است که کارگران مخابرات استانهای مختلف که برای شرکتهای پیمانکاری کار می کنند، طی سال گذشته نیز به دفعات برای خواسته های خود مبادرت به اعتصاب و اعتراض نمودند.

ادامه تجمعات معلمان و آموزشیاران نهضت سواد آموزی مقابل مجلس

تجمع های معلمان موسم به کارنامه سبزه ها و همچنین آموزشیاران نهضت سواد آموزی در این هفته نیز مقابل مجلس طی چند روز متوالی ادامه یافتند. خواست اصلی کارنامه سبزه ها پرداخت حقوق مساوی با سایر معلمان رسمی است. خواست اصلی آموزشیاران نهضت سواد آموزی استخدام در آموزش و پرورش است. عدهای از آموزشیاران که در ۲۸ اردیبهشت تجمع کرده بودند از گیلان برای اعتراض به تهران آمده بودند.

گفتنی است که حقوق معلمان غیر رسمی بسیار اندک و آنها از مزایای شغلی معلمان رسمی نیز محروم اند. مدیران آموزش و پرورش، دولت و مجلس سالهاست با وجود کمبود معلم و کادر آموزشی از رسمی کردن دهها هزار معلم غیر رسمی با تجربه خودداری می کنند و آنها را با وعده سرگرم نگاه می دارند. بهانه آنها ظاهراً کمبود بودجه است. اما همین چند هفته پیش خبر اختصاص هزاران میلیارد بودجه اضافی با تغییر بودجه مصوب مجلس به نهادهای امنیتی و نظامی و مذهبی توسط عدهای از دارودسته قالیباف از پرده بیرون افتاد. این خود نشان می دهد که اولویت نهادهای حکومتی در اختصاص بودجه معطوف به دستگاه سرکوب حکومتی است.



تبنای شورای اسلامی با کارفرما بر سر ممنوعیت اعتصاب!

کارگران کارخانه سیمان جوبین واقع در خراسان رضوی در این هفته در اعتراض به دستمزد اندک، پرداخت نکردن دستمزد اضافه کاری، حق اولاد، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل، داده نشدن فیش های دستمزد. نداشتن امنیت شغلی... چند روز متوالی به اعتراض برخاستند. در این میان شورای اسلامی کارخانه با سئو استفاده از موقعیت و تبنای با کارفرما حق اعتصاب را از کارگران سلب نمودند!

خبرگزاری ایلنا در بخشی از گزارش خود در مورد این تبنای نوشت: "شنیده ها حاکی از آن است، صورتجلسه ای ۱۷ بندی برای اجرا میان نمایندگان کارگران و کارفرما عقد شده تا سبب بهبود وضعیت کارگران شود. در بند پایانی آمده است، کارگران حق تعطیل کردن کار، تجمع و اعتصاب را ندارند.

معلوم نیست کارگری که از حق اعتصاب محروم می شود با چه وسیله دیگری وقتی کارفرما با هیچ زبانی حاضر به پرداخت حقوق کارگر نیست می تواند احقاق حق کند!

این خبرگزاری البته در گزارش خود اشاره ای به سایر اموری که شورای اسلامی و کارفرما بر سر آنها توافق نموده اند نکرده است.

اعتراض کارگران معدن کرومیت در کرمان

کارگران معدن کرومیت "آسمینون منوجان" واقع در جنوب کرمان ۲۷ اردیبهشت در اعتراض به پایداری حقوق اولیه شان توسط صاحب معدن با انجام راهپیمایی به اعتراض برخاستند. این اعتراض بدنبال توقف سرویس ایاب و ذهاب و کاهش کیفیت غذای کارگران، پرداخت نشدن دستمزد دو ماهه و عیدی، امتناع کارفرما از اجرای طبقه بندی و نداشتن امنیت شغلی و یک رشته مطالبات صنفی دیگر رخ داد. این رفتار با کارگران در شرایطی صورت گرفته که بنا به گفته یکی از کارگران به خبرگزاری ایلنا قیمت کرومیت: "از ۲۰۰ به ۳۲۰ دلار رسیده است اما کارگران هیچ سهمی از این افزایش قیمت ندارند. آب و برق نیز با قیمت مناسب در اختیار کارفرما قرار گرفته است"

یعنی در واقع با وجود افزایش ۶۰ درصد به درآمد کارفرما، او حتی کیفیت غذای خالقان این افزایش افزوده را برای افزودن بر سود خود کاهش داده و سرویس ایاب و ذهاب را هم حذف کرده است! بنا به گزارش ایلنا صاحب جدید این معدن مالک چند شرکت دیگر نیز هست.

اعتراض رانندگان شرکت واحد و واحد در تهران

شماری از رانندگان شرکت اتوبوسرانی تهران ۲۸ اردیبهشت در اعتراض به پیاده نشدن درست طرح طبقه بندی و امتناع مدیران شرکت از درخواست تجدید نظر در طرح مذکور تجمع نمودند. در هفته گذشته نیز سندیکای شرکت واحد با مراجعه به شورای شهر شکایتی را با خواست تجدید نظر در طرح در این شورا به ثبت رساندند. در تجمع ۶۰ تن از رانندگان افزون بر موضوع طبقه بندی مشاغل، انجام یک سری مطالبات صنفی دیگر رانندگان که قبلاً توسط نمایندگان سندیکا با مدیران شهرداری از آنها خواسته شده بود ولی عملی نشده اند نیز درخواست شد. جزئیات این گزارش در کانال تلگرامی سندیکا به تفصیل آمده است.

تجمع کارگران لوله سازی خوزستان



کارگران لوله سازی خوزستان در ۲۶ اردیبهشت در اعتراض به بلاتکلیفی مطالبات مزدی پرداخت نشده خود مقابل استانداری تجمع و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. به گفته کارگران معترض مطالبات مزدی ۲۰۰ کارگر از سال ۸۱ تا کنون پرداخت نشده‌اند. و به رغم بیکار کردن کارگران شرکت از تسویه کردن حساب خود با کارگران طفره رفته است. فروش بخشی از ماشین آلات کارخانه توسط مدیر عامل نیز کارگران را نگران تعطیل شدن کارخانه نموده است.

ادامه اعتراضات خیابانی بازنشستگان کارگری به رغم موانع امنیتی!

در ۲۶ اردیبهشت تظاهرات خیابانی بازنشستگان کارگری به رغم ایجاد موانع امنیتی و دخالت نیروهای سرکوبگر رژیم در تهران برای برهم زدن آن، برگزار شد. در تهران نیروهای سرکوبگر با غرق محوطه مجلس از تجمع بازنشستگان جلوگیری نمودند. با این همه تظاهرات در تهران نیز مانند، شهرهای، کرمانشاه، کرج، اهواز،

قزوین، مشهد، رشت، خرم آباد، تبریز مقابل سازمان تامین اجتماعی و دفاتر کانونهای بازنشستگان انجام شد. ادامه تظاهرات بازنشستگان حاکی از عمق نارضایتی آنها از حقوق های بازنشستگی و عزم راسخ بازنشستگان جهت پیگیری خواسته های به حق آنها و همچنین شکست فربیکاری های مدیران و مسئولین دولتی ذیربط دارد.

افزون بر این اجتماعات، کارگران شیشه سازی کاوه نیز در ۲۶ اردیبهشت در اعتراض به موافقت نکردن کارفرما و تامین اجتماعی با بازنشستگی شماری از کارگران مطابق قانون بازنشستگی پیش از موعد به تهران آمدند و مقابل وزارتخانه کار تجمع و خواستار رسیدگی مسئولین به مشکلی که کارفرما بر سر راه بازنشستگی شان قرار داده شدند. گفتنی است که قانون بازنشستگی پیش از موعد نیز جزء قوانینی هستند که تامین اجتماعی و کارفرمایان از اجرای آن طفره می روند.

تجمع کارگران غیر رسمی نفت مقابل مجلس

کارگران پیمانی و قراردادی شاغل در موسسات نفتی ۲۵ اردیبهشت بار دیگر در اعتراض به پایمال شدن حقوق اولیه شان توسط شرکتهای پیمانکاری مقابل مجلس اجتماع نموده و خواهان پایان دادن به نقض حقوق خود و رفع تبعیضات موجود میان کارگران رسمی و غیر رسمی شدند. همسان سازی حقوق و مزایا، حذف شرکتهای پیمانکاری، انعقاد قرارداد مستقیم، تسریع در تصویب ساماندهی استخدام کارکنان دولت، الزام آور بودن قانون برای وزارت نفت، سر فصل های مطالبات کارگران در این اجتماع هستند.

تشدید سرکوب فعالین کارگری بعد از روز کارگر

یورش به فعالین کارگری که از روز کارگر با بازداشت ده ها تن از سازمانگران و شرکت کنندگان در مراسم های روز کارگر توسط نیروهای سرکوبگر و پاسداران استثمار و بی عدالتی تشدید شد در آستانه انتخابات فرمایشی نیز همچنان ادامه دارد. از قرار معلوم، اخیرا برای خانم فرزانه زیلابی وکیل مدافع کارگران هفت تپه در یک اقدام تلافی جویانه از سوی حامیان مافیای رانتخواران به دلیل دفاع شرافتمندانه و انسانی از کارگران تحت ستم و ظلم هفت تپه به ناحق پرونده قضایی جهت محروم کردن ایشان از حق وکلات تشکیل داده‌اند.

هیراد پیر بدافی، محمود صالحی و عثمان اسماعیلی به خاطر شرکت در سازماندهی مراسم روز کارگر به زندان افتاده‌اند. اسماعیل گرامی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به خاطر مشارکت در اعتراضات بازنشستگان ۴۵ روز است که در زندان است. پیگرد و تشکیل پرونده برای همه این عزیزان جابرانه، جانبدارانه و حتی خلاف قوانین موجود خود حکومت هستند. بهمین جهت این اقدامات تبهکارانه از نظر ما محکوم است. پیگرد همه این عزیزان باید بلادرنگ متوقف و آنهایی که در زندان هستند، بی قید و شرط آزاد شوند.



پنج سازمان بزرگ و معتبر سندیکایی فرانسوی خواهان آزادی اسماعیل عبدی از زندان شدند.
این پنج سازمان در بیانیه مشترکی که خطاب به سران اصلی حکومت نگاشته اند خواستار آزادی اسماعیل عبدی رهبر زندانی کانون صنفی سراری معلمان شده‌اند.

سندیکاهای امضاکننده این نامه عبارتند از :

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (اف اس او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!